

سیاست و برنامه‌های توسعه و پیشرفت آموزش عالی در هند

نویسنده: دکتر گ. د. شرما (G.D. Sharma)

مترجم: حسن نفرآباد

سیاست و عملکرد توسعه آموزش عالی هند

مقدمه:

از جمله عوامل حیاتی برای توسعه هر کشور رشد کیفی منابع انسانی، توسعه ساختارهای زیربنایی و گسترش کیفی «پژوهش و توسعه»^{*} آن کشور است. رشد کیفی منابع انسانی تا حد بسیار زیادی در گرو رشد کیفی نهادهای آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی می‌باشد. در شرایط حاضر، که کل فرآیند تولید، توزیع و توسعه بر محور دانش قرار گرفته، اهمیت نهادهای آموزش عالی بیش از پیش آشکار گردیده است. ما، در گذشته، شاهد جهشی عظیم در زندگی بشر و گذر از مرحله کشاورزی به صنایع دودزا، و اخیراً گذر از آن مرحله و رسیدن به صنعت دانش و اطلاعات بوده‌ایم. کشورهایی که توانسته‌اند نهادهای آموزش عالی خود را توسعه ببخشند و برنامه‌های آموزش خود را متناسب با نیازهای جامعه متحول سازند و همچنین به امر «پژوهش و توسعه» همت گمارند، در امر توسعه پیشتاز و پیشگام هستند. در این کشورها تعداد

* - R&D

قابل توجهی دانشجوی مستعد و شایسته، سرگرم فراگرفتن آموزش عالی می‌باشند. این شیوه کمک کرده است تا اینگونه جوامع تواناییها و قابلیت‌های خود را گسترش دهند. براین اساس، توسعه نهادهای آموزشی جهت توسعه کیفی منابع انسانی «پژوهش و توسعه» به گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای فوری کشور و جامعه جهانی باشد، چالشی است که امروز فرا روی هر کشوری قرار گرفته است. از دیگر ابعاد این چالش، این است که برنامه‌های فوق باید با صرف حداقل منابع صورت پذیرند. زیرا به طور کلی برای توسعه آموزش، بویژه آموزش عالی، با کمبود منابع مواجه بوده‌ایم و این وضع عمدتاً در مورد کشورهای در حال توسعه صادق است. نحوه مقابله هند با برخی از چالشهای گذشته و آمادگی آن برای مقابله با چالشهای آینده از طریق تدوین سیاستها و برنامه‌هایش، می‌تواند موضوعی جالب توجه باشد. مقاله حاضر، نمائی مختصر از تحولات گذشته و جهت‌گیریهای آتی آموزش عالی در هند را ترسیم می‌نماید.

نظام آموزش عالی هند: سابقه تاریخی

عصر باستان: قدمت نظام آموزش عالی در هند به قرن ششم قبل از میلاد بازمی‌گردد که دانشگاه تاکشیل تأسیس گردید. دو دانشگاه دیگر، به نامهای نالاندا و ویکرامسیلا، برتریب در قرون چهارم و پنجم پس از میلاد بنیان گذارده شدند. قدمت علم نجوم و ریاضیات در هند به قرن یازدهم بازمی‌گردد. هند در گذشته دارای سابقه تحقیق و تعمق در کائنات، خویشتن (نفس)، نقش حکومت، اقتصاد، نظم اجتماعی و غیره بوده است. روش کار در آن زمان بر مشاهده تعمق و آموزش استوار بوده است.

عصر استعمار: نظام نوین آموزش عالی در هند تنها حدود چهل سال قدمت دارد و شروع آن زمانی بود که سه دانشگاه اولیه در سال ۱۸۵۷ در این کشور تأسیس گردیدند. نطفه این دانشگاهها در سال ۱۷۹۳ پس از مناظره‌ای که در مجلس انگلیس در مورد ارائه نظام آموزشی انگلیس در هند صورت گرفت، بسته شد. در پی آن دانشکده‌هایی همچون کالج «هندو» در کلکته، «استفن» در بمبئی تأسیس گردید. سرانجام، در سال ۱۸۳۵ لرد مکالی گزارشی را در این خصوص تهیه کرد که به تصویب لرد بنتینک رسید.

آغاز نظام آموزشی انگلیس در هند و شکل‌گیری دانشگاهها در عبارت ذیل که از گزارش مکالی نقل گردیده، خلاصه شده است:

«ما باید نهایت تلاش خود را برای تشکیل طبقه‌ای خاص به عنوان روابط میان ما و

میلیونها انسانی که ما بر آنها حکومت می‌نماییم، به عمل آوریم. طبقه‌ای از افرادی با خون و رنگ هندی و سلیقه، افکار، اخلاقیات و خرد انگلیسی» - «آموزش و پرورش، گزارش ۱۸۳۵ مکالی».

چهار نکته ذیل در گزارش مزبور مورد تأکید قرار گرفته است:

(۱) هدف بزرگ دولت انگلیس باید ارتقای ادبیات و علوم اروپا در میان مردم بومی هند باشد و تمامی بودجه‌ای که به امر آموزش اختصاص می‌یابد بهتر است تنها صرف ارتقای نظام آموزشی انگلیس در هند شود؛

(۲) در فاصله‌ای که دانشکده‌های آموزشهای شرقی نباید در هند تعطیل گردند، حمایت از دانشجویان آنها در حین تحصیل شان باید قطع شود؛

(۳) از بودجه دولت نباید برای چاپ آثار علمی شرقی استفاده شود؛ و

(۴) از تمامی بودجه‌ای که در اختیار دولت است، باید برای نشر ادبیات و علوم [انگلیس] در میان هندیها استفاده گردد*.

چارچوب سیاستهای ترسیم شده در «گزارش مکالی» و «گزارش وود، ۱۸۵۴»، حوزه عمل و نقش دانشگاههای هند را مشخص می‌نماید. در بدو امر، دانشکده‌هایی که در هند تأسیس گردید به دانشگاههای انگلیس وابسته بودند. در سال ۱۸۵۷، برای نخستین بار دانشگاههایی در هند به وجود آمد که دانشکده‌های موجود در این کشور تحت پوشش آنها قرار گرفتند.

۱۸۵۷ تا ۱۹۴۷ دوره توسعه‌کننده‌های آموزش عالی در هند است. این نهادها عمدتاً در مراکز اداری و شهرهای بندری کشور تأسیس گردیدند. در نهادها ادبیات، تاریخ، فلسفه، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و علوم پایه آموزش می‌دادند. محور توسعه آموزش عالی عمدتاً بر آموزش علوم انسانی استوار بود. علوم پایه در نظام آموزش عالی کشور سهم بسیار اندکی داشتند. روند توسعه آموزش عالی بسیار کند بود زیرا طی نودسال، تنها هیجده دانشگاه به مراکز آموزش عالی کشور افزوده گردید. اکثر دانشگاههای جدید از الگوی سه دانشگاه پیشرو کشور - یعنی دانشگاههای بمبئی، کلکته و مدرس - پیروی می‌کردند. در کنار دانشکده‌های علوم انسانی، دانشکده‌هایی نیز در علوم مهندسی و پزشکی به وجود آمد. اکثر این دانشکده‌ها آموزشهایی را که در

دانشگاههای کشور برنامه‌ریزی شده بود، ارائه می‌دادند. آزمایش و اعطای مدارک و مدارج علمی در دانشکده‌های جدید برعهده دانشگاهها بود. از این رو، معلمان این دانشکده‌ها در تدوین مواد درسی نقش چندانی نداشتند.

همچنین، در طی این مدت و بویژه پس از دهه ۱۹۳۰، اشتیاق به آموزش بومی و انتقال دانش مربوط به فلسفه، هنر و ادبیات هند، افزایش یافت. برخی از شخصیت‌های برجسته کشور در صدد برآمدند تا با حمایت جامعه، اقدام به تأسیس نهادهای آموزشی بومی نمایند. در همین راستا دو دانشگاه به اسامی «دانشگاه هند و بنارس» و «دانشگاه اسلامی علیگر» - به ترتیب، توسط پاندیت مادان موهان مالویا و سیدعلی احمد با حمایت جامعه مخفی - تأسیس گردید.

سیاستها و عملکردهای آموزش عالی هند مستقل

هند پس از کسب استقلال دارای حدود بیست دانشگاه و پانصد دانشکده بود که در بخشهای مختلف کشور پراکنده بودند. حدود صد هزار دانشجو در این نهادها ثبت نام کرده بودند. حضور زنان در مؤسسات آموزش عالی محدود بود و تعداد زنانی که از اینگونه مؤسسات فارغ‌التحصیل می‌شدند از انگشتان دست و پا تجاوز نمی‌کرد. سیاستها و علائق عمومی توسعه آموزش عالی هند را تحت تأثیر قرارداد.

دوره اولیه استقلال: نظام دانشگاهی هند بر پایه فلسفه‌ای استوار گردید که در «گزارش مکالی» و «گزارش وود» ترسیم شده بود. اهداف نظام دانشگاهی در هند تحت استعمار، در این دو سند مشخص گردیده بود. اصول راهنمای حاکمان هند تحت استعمار، توسط بومیان این کشور که خواهان ورود فرهنگ هند به نظم آموزش عالی و آمیختن آن با تفکر غربی بودند، اندکی تغییر یافت. آنها معتقد بودند که این امر باعث خواهد شد تا مردم هند با علوم هم از دریچه فرهنگ هند و هم فرهنگ انگلیس آشنا شوند. این دو نگرش فلسفی به طور همزمان در دوران استعمار مطرح بود، اما توسعه بعدی، عمیقاً متأثر از «گزارش مکالی» است. دو علت برای این تأثیرپذیری وجود دارد: دلیل نخست، حمایت دولت و واگذاری مشاغل و سمتهای عالی صرفاً از طریق این آموزشها، و دلیل دوم فراهم بودن کتب علمی، آموزشی و مرجع و آموزش هندیان در چارچوب این سیستم جدید است. اندکی پس از استقلال، دولت هند در سال ۱۹۴۸ «کمیسیون آموزش عالی» را تحت ریاست دکتر اس. رادهاکریشنان که بعدها به سمت

ریاست جمهوری کشور انتخاب گردید، تشکیل داد.

کمیسیون آموزش عالی: این نخستین نهاد سیاستگذاری امر آموزش عالی هند پس از استقلال بود. این کمیسیون، علاوه بر امور دیگر، برفراگیری زبان انگلیسی و دیگر زبانهای بومی، فلسفه، هنر و ادبیات تأکید نمود. همچنین به تلفیق مناسبی از مفهوم تربیتی و فلسفی هند اصرار ورزید.

کمیسیون مزبور به تعمق درمسائل مربوط به کیفیت و استاندارد آموزش، معلمان، رشته‌های تحصیلی، نحوه آموزش و پژوهش در دوره‌های تکمیلی، آموزشهای تخصصی، همچون کشاورزی، مهندسی و فن‌آوری، حقوق، طب، مدیریت بازرگانی، مدیریت دولتی، روابط صنعتی و نظارت بر امور مالی دانشگاهها و عملکرد دانشگاهها در روستاها پرداخت. کمیسیون مزبور باتوجه به اهداف دانشگاهها که درذیل آمده است توصیه‌هایی را در رابطه با موارد فوق ارائه داد:

«حیات دموکراسی درگرو بالابودن استانداردهای آموزش عمومی، فنی و تخصصی می‌باشد. گسترش علم و دانش، جستجوی بی‌وقفه برای کسب علوم جدید، تلاش ممتد برای رسیدن به معنی و مفهوم زندگی، ارایه آموزش حرفه‌ای تخصصی به منظور پاسخگویی به نیازهای جامعه ما از جمله وظایف اساسی آموزش عالی می‌باشند.»

«چنانچه ما ارزشهایی همچون دموکراسی، عدالت و آزادی، برابری و اخوت را پاس نداریم، قادر به حفظ آزادی واقعی نخواهیم بود. این آرمانی است که ما باید برای رسیدن به آن تلاش کنیم هرچند که ممکن است دربرنامه‌ریزی برای رسیدن به این آرمان در آینده مجبور شویم با اعتدال پیش برویم.»

کمیسیون فوق همچنین جدول حقوقها، شرایط کار، نسبت اساتید، دانشیاران و مدرسان (به ترتیب ۳:۲:۱) و همچنین ظرفیت دانشگاهها و دانشکده‌های هنر، علوم اجتماعی و علوم پایه را اعلام نمود. این کمیسیون توصیه کرد که دوره آموزش صدو هشتاد روز در سال باشد، امتحانات به صورت نیمسالی (ترمی) - و هر نیمسال یازده هفته‌ای - برگزار شود. دروس باید با دقت تدوین گردیده و با انجام پروژه و کار تحقیق علمی تکمیل گردد. بنابه توصیه کمیسیون برای هیچ رشته تحصیلی نباید کتاب درسی خاصی توصیه شود. درمورد درسهای اصلی به مفاهیم کلاسیک تأکید شود.

ضمناً برای هر رشته تحصیلی باید روشی برای برقراری رابطه میان آموزش عمومی و تخصصی با توجه به علائق عمومی دانشجویان از نظر شخصیت فردی و به عنوان یک شهروند و همچنین علائق حرفه‌ای و تخصصی آنها، به وجود آید. در دوره تحصیلات تکمیلی باید به علوم انسانی پژوهشهای علمی، ایجاد زمینه‌های تحقیقاتی جدید و همچنین تشکیل نهادهای تحقیقاتی جدید توجه شود.

«کمیسیون آموزش عالی» توصیه‌هایی را تقریباً در خصوص تمامی ابعاد مهم اصلاحات مورد نیاز در نظام آموزش دانشگاهی کشور ارائه داد. معذالک، راهکار لازم برای اجرای این توصیه‌ها در آن زمان موجود نبود. براین اساس، این توصیه‌ها خصوصاً برای کسانی که آنها را مطالعه و در مورد آنها در همایشها/ کارگاههای آموزشی یا گردهماییها بحث می‌کنند بیشتر جنبه اصول راهنما پیدا کرده است. آنچه در عمل تحقق پیدا کرد تشکیل راهکار نهادینی به نام «کمیسیون تخصیص بورسها به دانشگاهها» و اجرای برخی از ضوابط پیشنهادی این کمیسیون بود. در سال ۱۹۵۱، کمیته مشابهی نیز برای آموزش ابتدایی و متوسطه، به ریاست آ.ال مودالیار، جهت اصلاح نظام آموزشی این مقاطع تشکیل گردید که برنامه تهیه شده از سوی آن راهنمای سیاست‌گذاریها برای این مقاطع آموزشی بوده است.

توسعه برنامه‌ای: هند پس از استقلال شیوه توسعه برنامه‌ای کشور را در پیش گرفت. محور نخستین برنامه توسعه برکشاورزی و برنامه دوم بر صنعت و برنامه سوم برکشاورزی و صنایع مربوط به کشاورزی استوار بوده است. این شیوه توسعه، لاجرم توسعه نظام آموزشی کشور برای مقابله با چالشهای توسعه و تأمین نیازهای کشور در زمینه کشاورزی، صنعت و خود جامعه درکل را ایجاب می‌نمود. قانون اساسی هند زندگی دموکراتیک و برابر برای تمامی آحاد ملت قطع نظر از طبقه، مرام و مذهب و همچنین آزادی بیان و حق مالکیت را برای تمامی افراد پیش‌بینی نموده است. فراهم بودن آموزش برای تمامی افراد جامعه از جمله لوازم هر جامعه دموکراتیک می‌باشد.

رشد نهادهای آموزش عالی:

از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۱ تعداد دانشگاههای هند به طرز قابل توجهی افزایش یافت. ظرف تنها سه سال، یعنی از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۰، تعداد نه دانشگاه و از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۰ تعداد بیست و یک دانشگاه به مراکز آموزش عالی کشور اضافه گردید. این

افزایش، درمقایسه با دوران قبل از استقلال، بسیار قابل توجه بود. طی دورهٔ میان سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۰ علاوه بر دانشگاه‌های عمومی دو دانشگاه به اسامی «ویسوا بهاراتی» (۱۹۵۱) و «ایندیرا کالاسانگیت» در رشته‌های هنر و فرهنگ و دانشگاه دیگری به نام «جاداوپور» در رشته‌های فنی تأسیس گردید. نخستین دانشگاه کشاورزی یعنی «دانشگاه جی. بی. پانت کشاورزی و فن آوری» در سال ۱۹۶۰ بنا گردید.

اولین دانشگاه بانوان، یعنی «دانشگاه اس.ان.دی.تی» در سال ۱۹۵۱ شکل گرفت. به همین ترتیب، نخستین دانشگاه (به زبان) سانسکریت در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد. در همین مدت «انستیتو فن آوری هند در بمبئی»، «انستیتو فن آوری هند در کانپور» و «انستیتو فن آوری هند در مدرس» بنیاد گذارده شد.

براین اساس، در پاسخ به آرزوها و نیازهای مردم هند آزاد، تعدادی از مؤسسات جدیدالتأسیس تحت پوشش نظام دانشگاهی هند قرار گرفتند. مع‌ذالک، نظام دانشگاهی سنتی موجود در هند هم کمابیش در همان چهارچوبی توسعه می‌یافت که در دوران استعمار پی‌ریزی شده بود و اگر هم تغییری شکل می‌گرفت، در نتیجهٔ تلاشهای افرادی بود که مایل بودند تا نظامی به وجود آید که پاسخگوی نیازهای مردم هند آزاد باشد. این امر مستلزم انجام اصلاحات و تغییراتی در نظام دانشگاهی سنتی بود. به هر ترتیب، نظام دانشگاهی سنتی کمابیش بخاطر عوامل تاریخی و نهادین کماکان در همان راستای قدیمی به رشد خود ادامه داد. نفوذ این نظام سنتی به قدری بود که دانشگاههای جدیدالتأسیس که برای پاسخگویی به نیازهای گسترده‌تر مردم شکل می‌گرفتند برخی از همان درسهای سنتی را در برنامه‌های آموزشی خود می‌گنجاندند. این دانشگاههای تخصصی، فنی، کشاورزی، هنر و فرهنگ به برخی از توصیه‌های کمیسیون آموزش عالی «رادهاکریشن» بویژه در زمینه نظام نیمسالی کردن امتحانات، عمل می‌کردند اما دانشگاههای سنتی کمابیش همان شیوه قدیمی یک‌بار امتحان و تعیین کتب درسی و نظام دانشکده‌های وابسته را ادامه می‌دادند. همچنین، دانشگاههای تخصصی و فنی، محتوای مطالعاتی خود را منطبق با کشورهای غربی ساختند. این مؤسسات مؤلفه‌های پژوهش خود را بر مبنای مشکلات هند بویژه در کشاورزی تنظیم نمودند. در هر صورت، آنها مایل به ارائه دروسی بودند که تناسب با بخش صنعتی سازمانی داشت که در دنیای غرب توسعه یافته بود. طی سالهای میان ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰، بیست و هفت دانشگاه سنتی جهت پاسخگویی به نیازهای مردم در مناطق و ایالات مختلف تأسیس

گردید. طی همین مدت، دو دانشگاه فنی، ده دانشگاه کشاورزی، یک دانشگاه زبان و یک انستیتو پزشکی تأسیس شد. همچنین انستیتو علوم اجتماعی «تاتا» نیز تأسیس گردید. براین اساس، تنوع نظام دانشگاهی، با تأسیس دانشگاه‌های جداگانه در زمینه‌های فن آوری، کشاورزی، پزشکی، هنرهای زیبا، فرهنگ و ادبیات سانسکریت تحقق یافت.

کمیسیون آموزش و پرورش (۱۹۶۴-۶۶):

در سال ۱۹۶۲، هند مواجه با جنگ و به تبع آن بحران اقتصادی گردید. احساس می‌گردید که اگرچه نهادهای آموزش عالی، از نظر کمیت، در حال گسترش بودند اما این رشد متناسب با توسعه کشاورزی، صنعت و جامعه در کل نبود. براین اساس، در سال ۱۹۶۴ کمیسیونی جهت تحت پوشش قرار دادن تمامی جنبه‌های آموزش و پرورش و توجه به امر آموزش و توسعه، تشکیل گردید. ریاست این کمیسیون را «پروفیسور دی. اس. گساری» برعهده داشت. این کمیسیون گزارشی را تحت عنوان «آموزش و پرورش و توسعه ملی»^{*} تهیه و تدوین نمود.

این کمیسیون ضمن پی‌گیری مسائل مربوط به بهبود آموزش عالی، اصل راهنمای ذیل را که «جواهر لعل نهرو» به هنگام ایراد خطابه در جشن فارغ‌التحصیلی دانشگاه الله‌آباد در سال ۱۹۴۷ عنوان نمود، سرلوحه خود قرار داد:

«دانشگاه مظهر انسانیت، شکیبایی، منطق، ظهور و بروز افکار و اندیشه‌ها و جستجوی حقیقت است. دانشگاه عرصهٔ عروج انسان به سوی اهداف متعالیتر است. اگر دانشگاه به وظایف خود به طور شایسته‌ای عمل نماید، صلاح ملت و کشور تأمین خواهد شد».

کمیسیون مزبور با چنین چهارچوب فکری اعلام داشت ارزشهای بنیادی که امروز دانشگاه‌های ما پایبند به آنها هستند با شرایط عصر حاضر سنخیتی ندارد زیرا وظایف دانشگاه‌ها از عصری به عصر دیگر فرق می‌نمایند. وظایف دانشگاه‌ها دیگر به دو وظیفه سنتی آموزش و بالابردن سطح دانش محدود نمی‌گردد. امروز وظایف جدیدتری بر

* - NCERT, Education and National Development. Report of the Edu. Con., 1964-66

دوش دانشگاهها گذارده شده و وظایف سابق آنها نیز از نظرسعت، عمق و پیچیدگی روبه گسترش است. به طور کلی، می‌توان وظایف دانشگاهها را در دنیای نوین به شرح ذیل برشمرد:

- جستجو و غنا بخشیدن به دانشهای جدید و تلاش بی‌وقفه و بی‌باکانه برای یافتن حقیقت و ترجمان علوم و اعتقادات قدیم در پرتو نیازها و کشفیات جدید؛

- فراهم ساختن هدایت و رهبری صحیح در تمامی عرصه‌های زندگی، شناسایی جوانان مستعد و کمک به شکوفایی کامل استعدادهای آنها از طریق تقویت قدرت بدنی، رشد تواناییهای فکری و پرورش علایق، نگرشها و ارزشهای فکری و اخلاقی صحیح در آنها؛

- تربیت زنان و مردان شایسته و متخصص در زمینه‌های کشاورزی، هنر، پزشکی، علوم فن آوری و دیگر حرفه‌ها همراه با تربیت صحیح و حس مسؤولیت اجتماعی؛

- تلاش برای ارتقای برابری و عدالت اجتماعی جهت کاهش تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق اشاعه آموزش و پرورش؛ و

- پرورش نگرشها و ارزشهای لازم برای یک زندگی مناسب فردی و اجتماعی در اساتید و دانشجویان و از طریق آنها در تمامی جامعه.

این کمیسیون پس از بررسی شرایط و مشکلات، در چند موضوع تعمق نمود و توصیه‌هایی را در مورد نحوه جذب اساتید در نظام آموزش عالی، توسعه دانشگاهها و دانشکده‌های وابسته به آنها و همچنین آزادی عمل، اداره، مدیریت و بهبود تدریس و ارزیابی، توسعه کتابخانه‌ها و در رابطه با زبان آموزش ارائه داد. توصیه کمیسیون در خصوص وظایف دانشگاهها عبارت است از اینکه: «دانشگاههای هند باید در مقطع فعلی از توسعه اجتماعی و آموزشی کشور مسؤولیتهای ویژه‌ای را برعهده گیرند. مثلاً:

- آنها باید یاد بگیرند که به عنوان وجدان ملت عمل نمایند و با چنین دیدگاهی، فردگرایی، تنوع و تقابل را با روحیه تسامح ترغیب نمایند؛

- آنها باید برنامه‌های گسترده‌ای را جهت آموزش بزرگسالان تدوین نمایند و برای تحقق آنها شبکه گسترده‌ای از دروس پاره وقت و مکاتبه‌ای را به وجود آورند؛

- آنها باید به تلاشهای مدارس در توسعه کیفی خود، کمک نمایند؛

- آنها باید بارسنگین سنت اولیه خود را که جایگاه بالائی را به امتحانات می‌دهد کنار بگذارند و تلاش نمایند تا با توسعه تنگاتنگ آموزش و پژوهش، استانداردهای

کارشان را در تمامی جهات بهبود بخشند. آنها باید حداقل چند مرکز قابل مقایسه با انواع آنها در دیگر نقاط جهان به وجود آورند و بدین ترتیب به بازگشت «مرکز ثقل» زندگی علمی هند به داخل کشور، کمک نمایند».

برای تحقق چنین اهدافی، ما نیاز به تدوین یک برنامه کاملاً سنجیده و حساب شده و جامعه برای توسعه آموزش عالی ظرف بیست سال آینده داریم که در آن از جمله سه برنامه ذیل که دارای اولویت بالائی هستند، گنجانده شده باشند:

- بهبود چشمگیر کیفیت و استانداردهای آموزش عالی و پژوهش؛
 - گسترش آموزش عالی جهت پاسخگویی به نیازهای توسعه ملی در زمینه نیروی انسانی و تاحدی پاسخگویی به نیازهای جامعه و انتظارات فزاینده مردم؛
 - بهبود سازمان و مدیریت دانشگاهها.
- دولت هند آزاد باعنایت به توصیه‌های این کمیسیون در سال ۱۹۶۸ نخستین سیاست آموزشی کشور را تدوین نمود.

نکات عمده آن در مورد دانشگاهها به قرار زیر است:

الف) تعداد دانشجویان تمام وقت پذیرفته شده در دانشکده‌ها یا بخشهای دانشگاهی باید با توجه به امکانات آزمایشگاهی، کتابخانه‌ای و سایر تجهیزات و همچنین توانایی سطح علمی این مؤسسات تعیین گردد؛

ب) باید در تأسیس دانشگاههای جدید نهایت دقت و توجه به عمل آید و از قبل بودجه کافی برای این منظور اختصاص یابد و از بابت رعایت استانداردهای لازم اطمینان کافی حاصل گردد؛

ج) باید به سازمان درسهای دوره‌های تحصیلات تکمیلی و بهبود استانداردهای آموزش و پژوهش در این مقطع توجه خاصی مبذول گردد؛

د) باید مراکز مطالعات پیشرفته تقویت گردد و تعداد محدودی از مراکز مطالعات پیشرفته اقماری، با رعایت بالاترین استانداردها در زمینه پژوهش و آموزش، به وجود آید؛

ه) لازم است تا به طور کلی از پژوهش در دانشگاهها حمایت بیشتری به عمل آید. مؤسسات پژوهشی باید حتی المقدور در چهارچوب دانشگاهها یا در ارتباط تنگاتنگ با آنها انجام وظیفه نمایند*.

* - G.O.I. National Policy on Education, 1968.

طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰ تعداد هفده دانشگاه عمومی، ده دانشگاه کشاورزی، سه دانشگاه علم و فن آوری و یک دانشگاه زبان تأسیس گردید. دانشکده برنامه‌ریزی و معماری نیز در همین دوره بنیاد نهاده شد. از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ مجموعاً پنجاه و چهار دانشگاه اضافه شد که از این مجموع بیست و یک دانشگاه سنتی بودند. در این مدت، نه دانشگاه کشاورزی، چهار دانشگاه آزاد، چهار دانشگاه ویژه زنان و پنج دانشگاه زبان بنیاد نهاده شد. ما در این دوره شاهد توسعه دانشگاهها در زمینه‌های وسیعتر، منجمله دانشگاههای آزاد، بودیم.

سیاست ملی در آموزش و پرورش (۱۹۸۶):

ما در اوایل دهه ۱۹۸۰ با توسعه علوم رایانه‌ای و الکترونیک، فن آوری زیستی (بیوتکنولوژی) و رشته‌های جدید علم و فن آوری، شاهد تحولات عظیم‌تری در جهان بودیم. احساس می‌گردید که نظام آموزش باید مورد بازنگری قرارگیرد تا پاسخگوی چالشهای توسعه در آینده باشد. از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۶، بحثهایی در سراسر هند در خصوص انجام اصلاحات احتمالی در نظام آموزشی کشور به عمل آمد و نهایتاً در سال ۱۹۸۶ «سیاست ملی کشور در آموزش و پرورش» تدوین گردید.

مفاهیم کلیدی «سیاست ملی کشور در آموزش و پرورش (۱۹۸۶)» و برنامه عمل بازنگری شده (۱۹۹۲)* رعایت مساوات در بهبود کیفیت و بالابردن کارایی نظام آموزش، بویژه آموزش عالی کشور، بوده است. سیاست فوق در زمینه آموزش عالی بر گسترش و تقویت نهادهای آموزش عالی و بهبود کیفیت درونداد آنها در مناطق روستایی و محروم عقب افتاده و دانشکده‌های ویژه زنان با هدف حفظ کیفیت درونداد آنها با حفظ مساوات تأکید نمود. این سیاست همچنین انجام اصلاحات ساختاری در میان دانشگاهها و دانشکده‌ها با دادن آزادی عمل به دانشکده‌ها و بخشهای دانشگاهی، تجدید نظر در ساختار رشته‌های تحصیلی، تربیت کارکنان علمی برای استفاده از فن آوری نوین آموزش و ترغیب پژوهش در دانشگاهها و دانشکده‌ها را مورد تأکید قرار داد.

در مقدمه این سیاست آمده است:

** - G.O.I., National Policy on Education, 1986 and Revised PoA, 1992.

«آموزش عالی فرصتی را برای افراد به وجود می‌آورد تا در مورد موضوعات اساسی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و معنوی که بشریت با آن مواجه است، بیندیشند. آموزش عالی با نشر دانش تخصصی و مهارت‌ها به توسعه ملی کمک می‌نماید».

براین اساس، آموزش عالی که در رأس هرم آموزش قرار دارد، عامل عمده‌ای برای بقای جامعه محسوب می‌شود و نقش کلیدی در تربیت معلمان نظام آموزشی کشور ایفای نماید.

«در عصر انفجار دور از تصور دانش، آموزش عالی باید پویاتر از همیشه شود و پیوسته در مورد زمینه‌های ناشناخته کاوش نماید».

طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ سی و یک دانشگاه عمومی، دو دانشگاه فنی، سه دانشگاه آزاد و دو دانشگاه کشاورزی به مراکز آموزش عالی کشور اضافه گردید. بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ دولت، کمیته‌ای را به ریاست «پروفسور رامامورتی» تشکیل داد تا سیاست ملی آموزش و پرورش را مورد بازنگری قرار دهد. اما قبل از اجرای توصیه‌های این کمیته، دولت وقت هند تغییر کرد و دولت جدید نیز سیاست ملی آموزش و پرورش را مورد بازنگری قرار داد. محور این سیاست بازنگری شده کمابیش بر همان سیاست سال ۱۹۸۶ استوار است. نکات عمده سیاست سال ۱۹۸۶ و برنامه عمل تدوین شده و همچنین دستاوردهای عمده به دست آمده ظرف ده سال گذشته در نمودار یک مشخص گردیده‌اند.

جزئیات مربوط به توسعه دانشگاهها از سال ۱۸۷۵ و توسعه دانشکده‌ها از زمان استقلال کشور و همچنین تعداد دانشجویان آنها در جدول ۱ و اشکال ۱-۵ ترسیم گردیده است.

نمودار ۱

رویکرد پویا ساختن بی سابقه نظام آموزش عالی

مفهوم مساوات	بیان سیاست	برنامه عملی
	تحکیم و گسترش نه تنها مساوات برای دسترسی، همچنین برابری دربرونداد	حمایت بیشتر از دانشکده‌های روستائی، قبیله‌ای و زنان، جهت افزایش کیفیت دروندادهای آنها
برتری توأم باسنخیت	تغییر ساختار	
	- دانشکده‌های خودمختار و بخشهای خودمختار	- پانصد دانشکده خودمختار تا سال ۱۹۹۷- (هدف)
	- تغییر ساختار درسهای کارشناسی - تربیت معلم	- صد و سیزده دانشکده خود مختار (مشغول بکار)
	- روشهای جدید آموزش	- بیست و نه دانشکده و یکصد و سی و نه دانشگاه
		- چهل و پنج دانشکده تربیت مدرس و آموزش ۳۴۹۷۵ معلم تا ۳۱ مارس ۱۹۹۷ و بازآموزی ۷۰۳۷۳ معلم
		- حمایت مالی برای خرید رایانه به ۲۴۶۵ دانشکده
کارآیی	نحوه افزایش کارآیی نظام آموزشی کشور	
	- عالیترین نهاد آموزش عالی - شورای آموزش عالی ایالتی	- باید تشکیل شود
		- چهار شورا از این نوع در حال حاضر وجود دارد و باید در ایالت‌های دیگر تشکیل شود
	- برنامه‌ریزی و مدیریت مؤسسات آموزش عالی	- سازماندهی برنامه آشنائی درزمینه برنامه‌ریزی و مدیریت پرسنل از سوی چهاردانشگاه
	- اعتباربخشی دانشگاهی و دانشکده‌ها	- تشکیل شورای اعتباربخشی و ارزیابی ملی از سوی کمیسیون اعطای کمک به دانشگاهها
	- خود ارزیابی مؤسسات آموزش عالی و معلمان	- ارائه طرح خود ارزیابی

جدول یک : توزیع دانشگاهها از جهات مختلف منجمله براساس سال تأسیس آنها

رشته های دیگر	پزشکی	زبان (منجمله زبان سانسکریت)	زبان	کشاورزی و دامپزشکی و دیگر تخصصهای مربوطه	آزاد	صنایع و فن آوری	عمومی	سال تحصیلی
-	-	-	-	-	-	-	۱۵	تا ۱۹۳۰
-	-	-	-	-	-	-	۳	۱۹۳۱-۴۶
-	-	-	-	-	-	۱	۸	۱۹۴۷-۵۰
۱	-	۱	۱	۲	-	۲	۱۴	۱۹۵۱-۶۰
۱	۱	۱	-	۱۰	-	۲	۲۷	۱۹۶۱-۷۰
۱	-	۱	-	۱۰	-	۳	۱۷	۱۹۷۱-۸۰
۴	۵	۵	۴	۹	۴	۲	۲۱	۱۹۸۱-۹۰
۵	۵	۳	-	۲	۳	۲	۱۱	۱۹۹۱-۹۵
۱۲	۱۱	۱۱	۵	۳۳	۷	۱۲	۱۱۶	جمع: ۲۰۷
۵/۸۰	۵/۳۱	۵/۳۱	۴/۲	۱۵/۹۴	۳/۳۸	۵/۸۰	۵۶/۰۴	درصد.

منبع : گزارش سال ۱۹۹۵-۹۶ کمیسیون تخصیص بورسیه ها به دانشگاهها، دهلی نو.

مؤسسه علوم اجتماعی تانا

ایندیرا کالاستنکویت

دانشکده برنامه ریزی و معماری

#

##

۱- مؤسسه بین الملل علوم جمعیتی

۲- دانشکده دکن

۳- مؤسسه مرکزی مطالعات عالی تبتان

۴- مؤسسه موزه ملی تاریخ هنر و حفظ آثار تاریخی

۱- دانشکده ملی حقوق هند

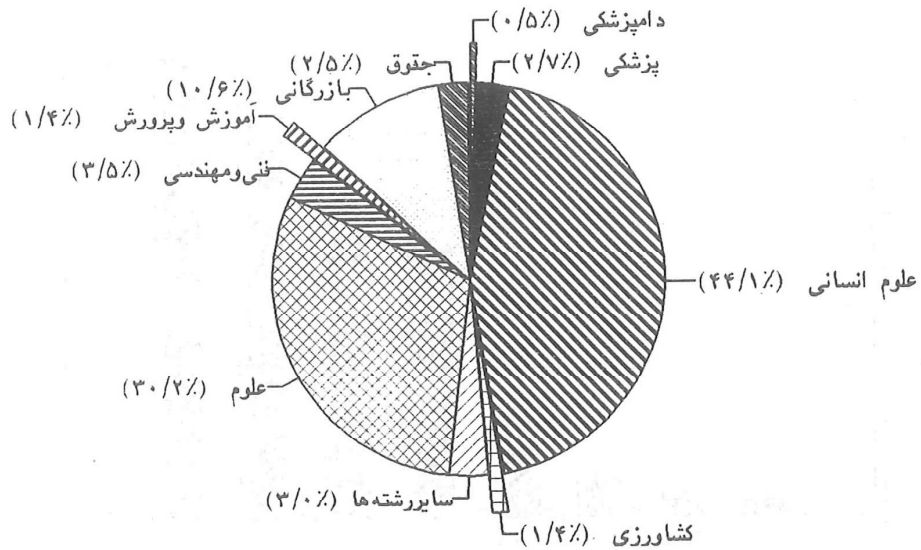
۲- مؤسسه ماکهانالال چاتورودی راستریا پاتراکایرلا

مؤسسه علوم سیاسی و اقتصادی گوکاله

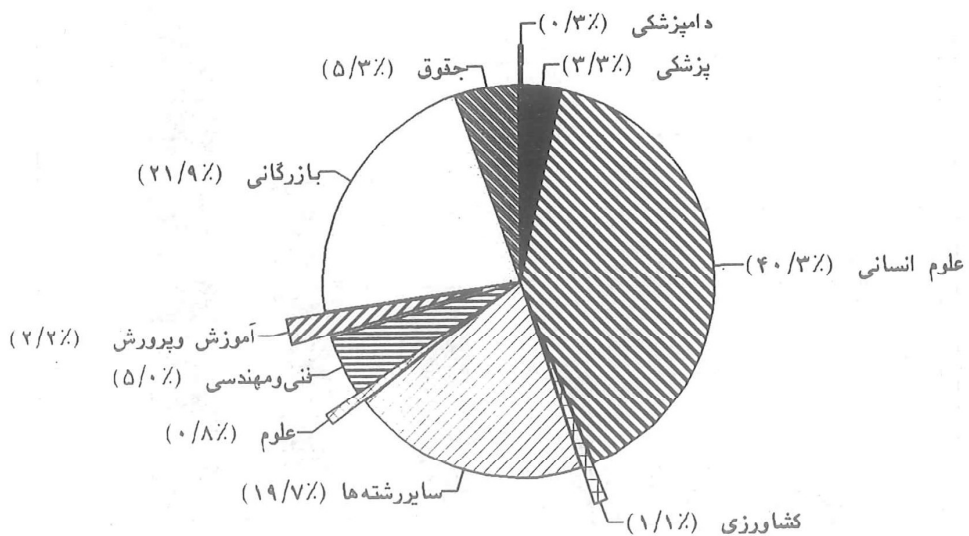
۴- مؤسسه تحقیقات توسعه ایندیراگانندی

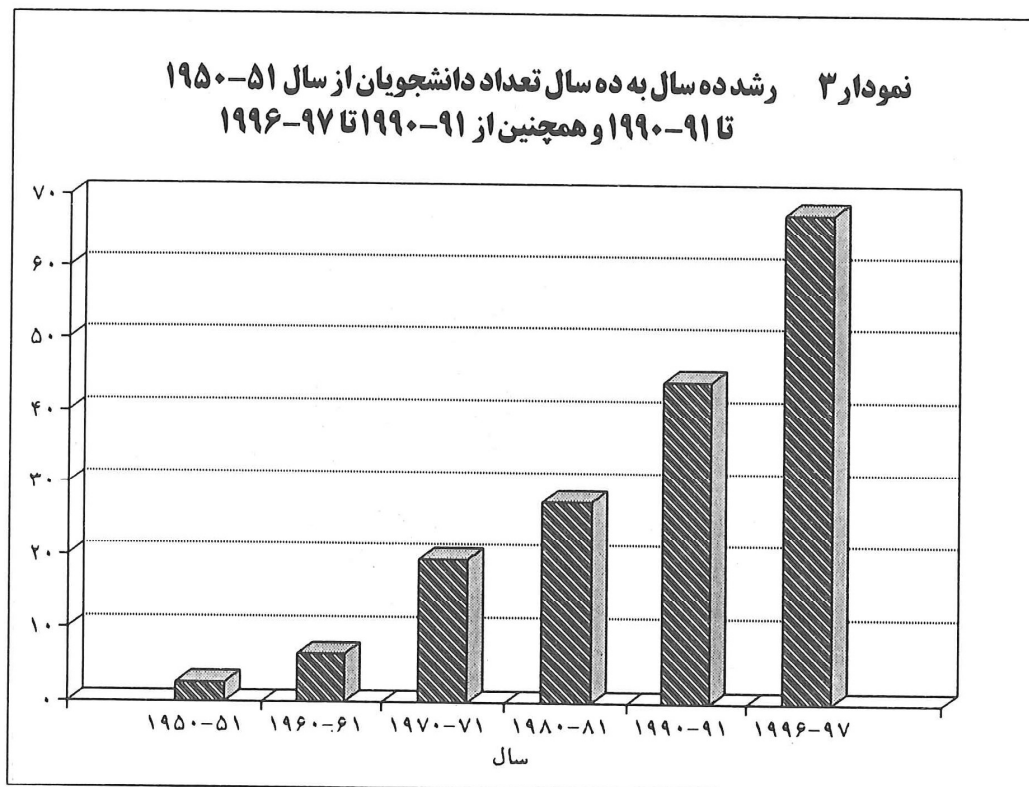
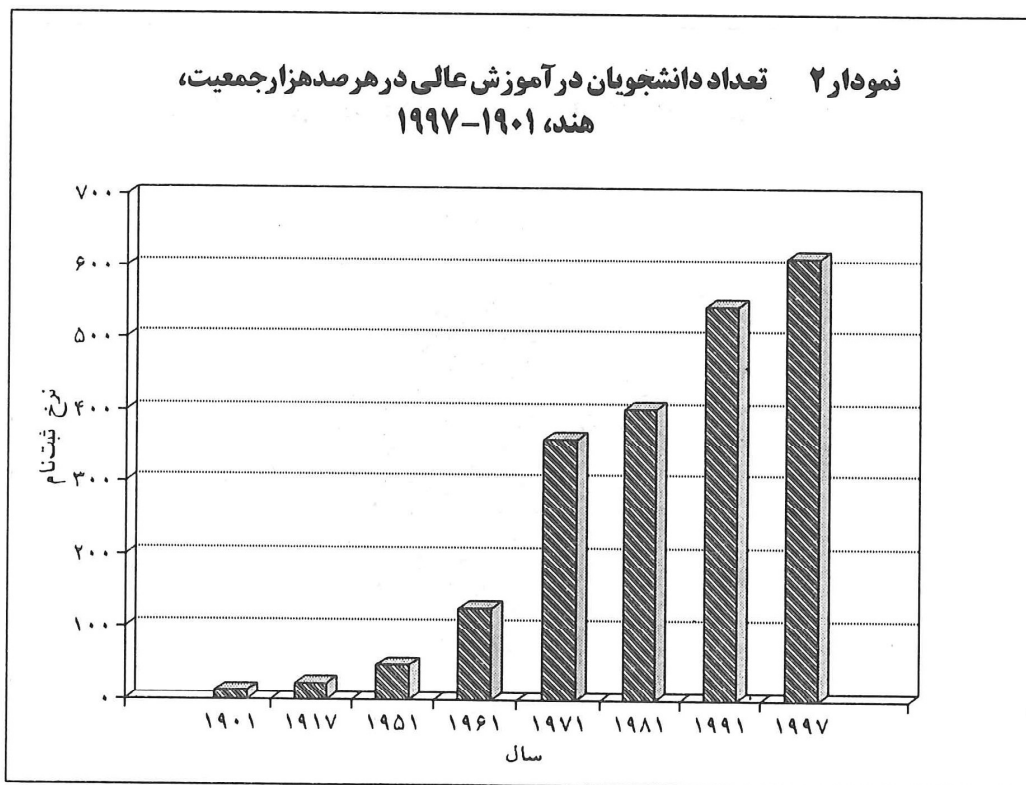
۵- مؤسسه جاین ویشوا بهاراتی

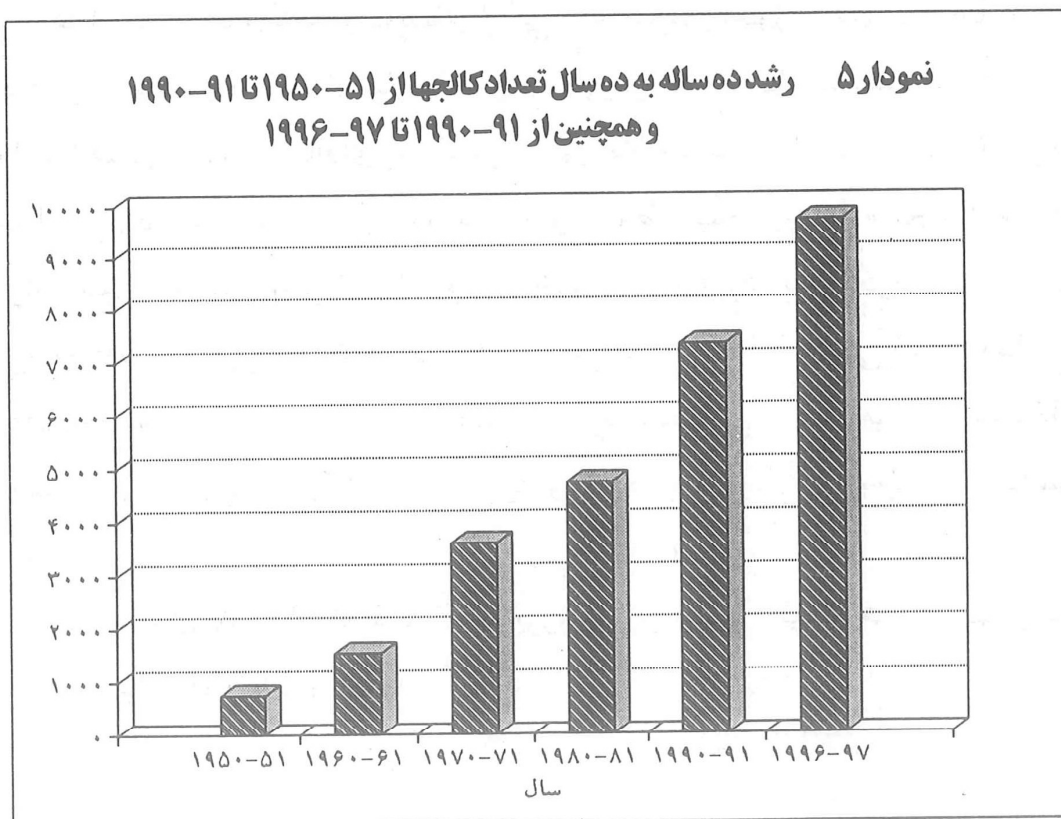
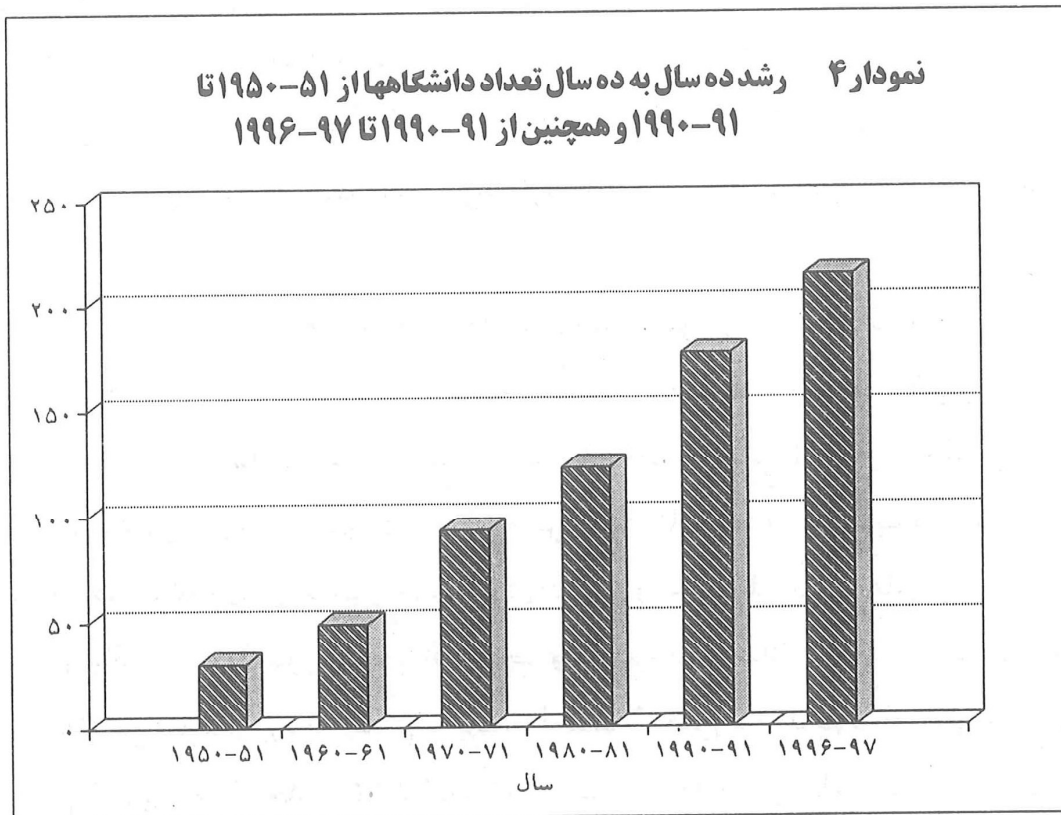
نمودار (الف) تعداد دانشجویان در دانشگاهها بر حسب دانشکده



نمودار (ب) تعداد دانشجویان در دانشگاهها: بر حسب دانشکده (۹۶-۹۵ درصد از کل)







سیاستها و عملکردهای مالی

در اوایل دهه ۱۹۶۰، هنگامی که یونسکو اعلام نمود که سرمایه‌گذاری در امر آموزش، در حقیقت، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی است، کشورهای زیادی با الهام از این مطلب شروع به تخصیص منابع برای ارتقای امر آموزش، منجمله آموزش عالی، نمودند.

هند در آن زمان شیوه توسعه برنامه‌ریزی شده کشور را در پیش گرفت. در همین راستا، هند منابعی را برای توسعه بخشهای مختلف منجمله آموزش و پرورش اختصاص داد. درصد بودجه تخصیص یافته برای آموزش عالی از کل بودجه آموزش و پرورش کشور طی برنامه‌های دوم و سوم بین پانزده تا هیجده درصد بوده است. این بودجه طی برنامه چهارم به طور چشمگیری افزایش و سپس طی برنامه‌های پنجم و شش کاهش یافت. در طول دوره میان برنامه پنجم و ششم عدم نوسان در بودجه آموزش عالی ملاحظه می‌شود. از برنامه ششم به بعد، ما شاهد کاهش شدید بودجه آموزش عالی بودیم. این بودجه از حدود ۲۲٪ (در برنامه ششم) به ۱۶٪ (در برنامه هفتم) و سپس به ۸٪ در برنامه هشتم (شکل ۶) کاهش یافت.

اعتبارات دولت مرکزی و دولتهای ایالتی در خصوص آموزش نیز در دهه ۱۹۷۰ کاهش یافت. میزان این اعتبارات به‌رغم افزایش تعداد مؤسسات، دانشکده‌ها و دانشگاههای کشور در سالهای بعد کمابیش در همان حد باقی ماند (جدول دو). اگرچه انتظار می‌رفت که «سیاست ملی آموزش و پرورش» طی نیمه دوم برنامه پنج ساله هفتم و برنامه پنج ساله هشتم اجرا شود اما بودجه اختصاص یافته برای پاسخگویی به چالشهای توسعه کافی نبود. بودجه اختصاص یافته با سیاست و برنامه عملی که در سالهای ۸۷-۱۹۸۶ و ۹۲-۱۹۹۱ آغاز گردید، متناسب نبود. به نظر می‌رسد که میان سیاست کلی توسعه آموزش و پرورش کشور و سیاست و عملکردهای مالی مربوط به آن فاصله وجود دارد.

طی سالهای ۹۷-۱۹۹۲، اقتصاد هند بر روی بازار جهانی گشوده شد و همین امر سبب تغییراتی در سیاستهای دولت گردید.

تغییر سیاست تأمین بودجه آموزش و پرورش

احساس می‌گردید که منابع آموزش عالی محدود است، براین اساس، باید بخش خصوصی را به مشارکت در امر آموزش تشویق و منابع بیشتری را از خود دانشجویان جذب نمود. زمینه ذهنی خصوصی سازی آموزش عالی در هند مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به برخی از دانشکده‌ها اجازه داده شد تا برخی درسها را با هزینه دانشجویان ارائه نمایند. این گونه دانشکده‌ها عمده‌تاً در رشته‌های مهندسی، پزشکی و دیگر موضوعات تخصصی شروع به کار نمودند. در دانشکده‌های دولتی نیز درسهایی با هزینه دانشجویان ارائه گردید. تغییر سیاست دیگری که در این دوره انجام گرفت، مربوط به دانشگاههایی بود که برنامه‌های درسی خاصی را در هند ارائه می‌دادند. برخی از این دانشگاهها موفق ولی برخی دیگر از اعتبار چندانی برخوردار نیستند. تلاشهایی برای اعتبار بخشی اینگونه مؤسسات آموزشی در هند صورت می‌گیرد. لایحه‌ای نیز جهت تشکیل دانشگاههای خصوصی تدوین گردید. دانشگاهها تشویق گردیدند تا به جذب منابع از صنایع روی آورند، براین اساس، آنهایی که به دانشگاهها کمک مالی می‌نمودند قانوناً از پرداخت مالیات بر درآمد معاف گردیدند. کمیسیون تخصیص کمکهای مالی به دانشگاهها نیز به عنوان یک اقدام تشویقی اعلام نمود که به میزان بیست و پنج درصد از کل مبلغی که دانشگاهها خود جذب نمایند و حداکثر تا سقف دو میلیون و پانصد هزار روپیه به آنها کمک خواهد کرد. طی این مدت، «شورای ارزیابی و اعتبار بخشی» جهت ارزیابی و اعتبار بخشی دانشگاهها و دانشکده‌ها از سوی «کمیسیون تخصیص بورسها» تشکیل گردید.

همراه با اصلاح نظام مالی مؤسسات آموزش عالی کشور، چندین برنامه جدید دیگر آغاز گردید. جهت دهی حرفه‌ای به دوره‌های کارشناسی، طی برنامه پنج ساله هشتم آغاز شد و در همین مدت بیش از هزار دانشکده برنامه‌هایی را در جهت حرفه‌ای به کار بستند. نظام آموزشی عالی کشور در عملکرد خویش جهت ارتقای آموزش در زمینه‌های مرتبط با امور اجتماعی به گونه‌ای که این نظام پاسخگوی نیازهای جامعه باشد، دچار تحولاتی گردید. برخی از موفقیت‌های حاصله در زمینه‌های مختلف در یک دوره «برنامه» در جداول ۳ (الف) تا ۳ (ه) منعکس گردیده است.

جهت‌گیریهای برنامه نهم

در سال ۱۹۹۷ برنامه پنج ساله هشتم هند پایان پذیرفت و برنامه پنج ساله نهم از آوریل همان سال آغاز گردید. جهت‌گیری این برنامه عمدتاً به سوی توسعه آینده کشور بوده و عمدتاً بر دو محور استوار است. یکی از محورها کاربردی و برای ساختن دوره‌های کارشناسی جهت مشاغل موردنیاز، و محور دیگر تقویت اقدامات متخذه در برنامه‌های پیشین است، منجمله: (۱) ارتقای سطح آموزش عالی از طریق مراکز آموزش پیشرفته، (۲) ارتقای تناسب رشته‌های تحصیلی از طریق برنامه آموزشهای حرفه‌ای، (۳) دستیابی به برابری آموزشی از طریق ارتقای سطح آموزش و پرورش میان قشرهای عقب مانده و محروم اجتماع و ساکنان مناطق دور افتاده و محروم کشور، (۴) ارتقای سطح آموزش عالی از طریق برنامه‌های رشد کارکنان آموزشی، استفاده از فن‌آوری آموزشی و نشر دانش از طریق ارائه برنامه‌های رسانه‌ای.

برنامه‌هایی نیز جهت تربیت مدیران باهدف افزایش کارایی در مدیریت آموزش عالی کشور به مورد اجرا گذاشته شده است. از جمله موازین سیاستی مهمی که در برنامه پنج ساله نهم مورد تأکید قرار گرفته است جذب منابع از صنعت و جامعه محلی می‌باشد. «کمسیون تخصیص بورس به دانشگاهها» نیز کمکهای تشویقی را جهت جذب منابع پیش‌بینی نموده است. ارزیابی و اعتباربخشی از دیگر جهت‌گیریهای برنامه نهم است. از جمله اقدامات مهمی که بدین منظور اتخاذ گردیده است تخصیص یک سوم از منابع به دانشگاهها بر مبنای عملکرد آنها می‌باشد.

برای ارزیابی عملکرد مؤسسات آموزش عالی، شاخصهای ذیل ملحوظ گردیده‌اند:

۰۱ شهرت و اعتبار دانشگاه

۰۲ دانشجویان

۰۳ معلمان

۰۴ برنامه‌های علمی دانشگاه

۰۵ برنامه‌های حاشیه‌ای

۰۶ مدیریت علمی و مدیریت عمومی

۰۷ خدمات حاشیه‌ای

۰۸ بودجه و سیاستهای مالی

در جمع‌بندی نهایی باید گفت سیاست‌سازی یک فرآیند پویا است. تغییر سیاستها از عوامل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی نشأت می‌گیرند. این عوامل در روند تدوین شکل‌گیری سیاستها و عملکردها خود را نشان می‌دهند. این فرآیند، غالباً از پارامترهای مربوط به سیاستها و علایق اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرد. گاهی اوقات تحولات دیگر نقاط جهان نیز در تغییر سیاستها نقش دارند. سیاست آموزش عالی هند نیز تحت تأثیر این عوامل مرکب قرار دارد. عوامل تاریخی و معاصر و همچنین خواسته‌های دولت وقت نیز سبب انجام تغییراتی در نظام آموزش عالی کشور می‌شود تا این نظام بتواند پاسخگوی نیازهای کشور باشد. براین اساس و باتوجه به این نکته، هر کشوری باید سیاستها و برنامه‌های خود را به گونه‌ای تدوین نماید که نظام آموزش عالی آن کشور در جهت منافع عالیه کلیه آحاد و اقشار جامعه باشد و به توسعه پایدار جهانی کمک کند.

جدول - ۳ الف

برنامه‌های کمک‌های ویژه

اعتبارات به روپیه	تعداد بخشهای تحت پوشش مالی	تعداد بخشهای افزوده شده	دوره
۷۲/۶۰۸/۵۰۰/۰۰۰	۴۱۱	۷۷	برنامه هشتم

جدول - ۳ ب

مناطق جدید طی برنامه هشتم

هزینه‌ها به روپیه	بخشهای پذیرفته شده	منطقه
۹۶۴/۹۰۰/۰۰۰	۱۷۲	مناطق جدید
	۱۱ دانشگاه	MCA
	۱ در روند دانشگاه شدن	COSIST
	۴۶	

جدول - ۳ ج
 پروژه‌های تحقیقاتی طی برنامه هشتم

هزینه‌ها به روپیه	تعداد	رشته
۳۲/۷۴۶/۳۰۰/۰۰۰	۶۰۰	علوم پایه
	۷۹۵	علوم انسانی و اجتماعی
	۸۶	مهندسی و فن آوری

جدول - ۳ د
 دوره‌های حرفه‌ای طی برنامه هشتم

اعتبارات به روپیه	تعداد مؤسسات	تعداد درسها	زمینه
۱/۵۰۲/۱۰۰/۰۰۰	۳۸ دانشکده	۳۸	تجدید ساختار درسها
۵۷/۳۴۷/۸۰۰/۰۰۰	۱۲۸۶ دانشکده ۱۰۷ دانشگاه	۳۵	درسهای حرفه‌ای

جدول - ۳ ه
 دانشکده‌های تربیت مدرس

اعتبارات (منجمله اعتبارات مربوط به اصلاح امتحانات) به روپیه	تعداد دانشکده‌های / مؤسسه (درسهای تقویتی)	تعداد دانشکده‌های تربیت مدرس	دوره
۴۸/۰۱۹/۵۰۰/۰۰۰	۷۲	۴۵	برنامه هشتم

جدول دو

اعتبارات کل آموزش و پرورش و آموزش عالی از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۹۴

ارقام برحسب لاک (صد هزار روپيه) محاسبه گردیده‌اند.

سال	سهم آموزش عالی از کل اعتبارات آموزش (در چهارچوب برنامه و خارج از آن)	کل اعتبارات مربوط به آموزش و پرورش (در چهارچوب برنامه و خارج از آن)	درصد سهم آموزش عالی از کل اعتبارات
۱۹۵۱-۵۲	۷۲۳	۶۴۴۶	۱۱/۲
۱۹۶۱-۶۲	۳۴۴۹	۲۶۰۳۰	۱۳/۳
۱۹۷۱-۷۲	۸۳۶۰	۹۹۴۸۲	۸/۴
۱۹۸۱-۸۲	۴۹۵۵۳	۳۷۹۰۱۵	۱۳/۱
۱۹۹۳-۹۴	۲۹۱۵۵۶	۲۳۹۰۸۹۴	۱۲/۲

منبع: منابع بودجه‌ای آموزش برای سالهای ۱۹۹۳-۹۴ تا ۱۹۵۱-۵۲ اداره کل آموزش و پرورش وزارت توسعه منابع انسانی هند، دهلی نو.